

تصویر زن در نهج البلاغه

امروزه محرز است که شرکت همگانی مردم برای توسعه پایدار و قابل ناپذیر است. زنان ذخیره‌های انسانی مهم و کنترلی، لازم و اجتناب‌ناپذیر برای سازندگی، اعتلای معنوی و مادی کشور محسوب می‌شوند و شرکت ایشان در فعالیتهای اجتماعی در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی از لوازم اساسی رشد کشور و از آرمان‌های انقلاب اسلامی تلقی می‌شود. آنچه که موجب بالا رفتن میزان مشارکت زنان در جامعه می‌شود احترام به حقوق و شئون آنان است.

بدون شناخت ویژگی‌های روانی، اخلاقی، نیازها، توانایی‌ها و ظرافت‌های انگیز بانوان و آگاهی از جایگاه حقیقی آنان در نظام دنیای شگفت هستی، استفاده از عواطف، ادراکات و توانایی‌های جسمی و روحی زنان مقدور نیست.

گرفته پیرامون زن و حقوق وی، علمی‌رغم پژوهش‌ها و کوشش‌های انجام هنوز سوالات و شبهاتی در این زمینه اذهان جوانان را به خود مشغول داشته است.

یکی از منابعی که از دیرباز در مباحث اخلاقی درباره جایگاه و منزلت زن در نگرش دینی به آن استناد شده است کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نهج

پذیری زن و وجود ارزش‌های گروهی با تمسک به ظاهر کلام حضرت، کمال مایه‌والای انسانی او را انکار کرده و وی را موجودی دون و بی‌اند، گروهی دیگر با تاکید بر کرامت و منزلت زن، کلام پنداشته‌اند. نگاه‌کننده حضرت را منافی با مقام و جایگاه حقیقی زنان روشن‌فکران با نگاه‌کنون سوال این است، واقعیت چیست؟ برخی انتقادآمیز به تبعیض حقوقی زن و مرد از نگاه حضرت امیر حکم کرده‌اند. البلاغه حکم کرده و آن‌کننده؛ عده ای نیز به فرودستی زن در نهج خاطر اجتناب از آن‌را در شأن علی (ع) نمودارند؛ گروهی دیگر به چنین رویکردی به تأویل و تفسیر به رأی خطبه‌ها روی آورده‌اند و البلاغه اکتفا کرده و آن‌بعضی هم به ظاهر عبارات و گفته‌های نهج را مطابق اسلام و شریعت پنداشته و زن را فرودست، ناقص و بی‌ارزش، و مرد را فرادست، با ارزش و کامل می‌دانند.

در نگرش علی (علیه السلام) زن چگونه موجودی است؟ سلوک اجتماعی و سیره عملی حضرت کدام نظریه را تأیید می‌کند؟

واقعیت این است که امروزه زنان در امور مدیریتی، اداره امور اجتماعی، قدرت تعلیم و تعلم و بسیاری از امور دیگر نه تنها از مردان کمتر نیستند، بلکه در برخی موارد از توانایی‌های بالایی

برخوردارند؛ لذا احادیثی که زنان را حقیر و فرودست نشان می‌دهد بسیار قابل تأمل می‌باشد. به هر طریق این حساسیت و شبهات باید در سطح عمیق مطمع نظر و تأمل قرار گیرد.

تساوی زن و مرد

اسلام با صراحت کامل و قاطعانه هویت انسانی زن و مرد را متحد می‌داند. قرآن در بیان وحدت هویت انسانی زن و مرد قابل خدشه نیست. شناخت زن، در حقیقت شناخت انسان و کرامت اوست. زن در آفرینش در بعد روحی و جسمی از همان گوهری آفریده شده که مرد آفریده شده است، تمایز و فرقی در حقیقت و ماهیت میان زن و مرد نیست. قرآن کریم به صراحت از این حقیقت پرده برمی‌دارد و در اولین آیات سوره نساء می‌فرماید:

«ای مردم! از مخالفت با فرمان‌های پروردگارتان بپرهیزید آن که شما را از یک تن آفرید و جفتش را از جنس او پدید آورد و از آن دو تن مردان و زنان بسیاری را منتشر و پراکنده ساخت.»

خداوند در قرآن به دفعات مکرر از زنان تجلیل کرده و نه تنها آن‌ها را پایین و ناتوان نشمرده، بلکه در موارد بسیار آن‌ها را عزیز داشته است. آفرینش زن و مرد از یک گوهر است و هیچ مزیتی برای مرد نسبت به زن در اصل آفرینش نیست. اگر در بعضی روایات مزیتی این چنینی ذکر شده است یا از جهت سند نارساست و یا از جهت دلالت، ناتمام است. اینکه زن از دیدگاه امیرالمومنین (ع) دارای چه مقام و منزلتی است مبتنی بر این است که در بینش حضرت، انسان از چه مقام و جایگاهی برخوردار است؛ زیرا پیامبر و ائمه اطهار (ع) تنها برای هدایت مرد نیامده‌اند؛ بلکه برای هدایت انسان مبعوث گشته‌اند است هرگز. اند و فصلی که عهده‌دار بیان ارزشها و ضدارزشها موصوف آن‌ها را بدن نمی‌داند؛ یعنی بدن نیست که مسلمان یا کافر، عالم یا جاهل، متقی یا فاجر، صادق یا کاذب... است. به عبارت دیگر زن بودن یا مرد بودن مربوط به پیکر است نه جان و روح.

تعلیم و تربیت و تهذیب و همه ارزشها از آن نفس است و نفس غیر از بدن و بدن غیر از نفس است. حقیقت انسان نفس و روح است نه زن و مرد.

از دیدگاه علامه خوئی، مردان ناگزیر از رویارویی و برخورد با شئون مادی و دنیوی است که زندگی آنان از جهات مختلف با آن شئون ارتباط دارد، مانند مواجه شدن با مال، زن، همسایگان، نزدیکان، فرزندان و غیره که در این برخوردها آنان با سختیها و آسانیها، خوبیها و که این امور، به خوبی یا بدی مرد در بدیها و... روبه‌رو میشوند

زندگی بر می‌گردد.

حسن مجیدی، پژوهشگر حوزه دینی